

بازاندیشی در آموزش درس «آشنایی با معماری معاصر»*

(در مقطع کارشناسی رشته معماری در دانشگاه‌های ایران)

سعید حقیر**^۱، یلدا شوهانی زاد^۲

^۱ استادیار دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

^۲ مدرس مؤسسه آموزش عالی غیرانتفاعی و غیردولتی علاءالدوله سمنانی، گرمسار، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۲/۱۷، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۱/۷/۱۵)

چکیده

آموزش درس «آشنایی با معماری معاصر»، که در قالب دو واحد درسی الزامی برای دانشجویان کارشناسی رشته معماری ارائه می‌شود، بر متدهای متفاوتی در دانشگاه‌های ایران استوار است. از این متدها، مدرسین عمدتاً به دو گرایش بیشتر توجه می‌نمایند: گروهی آن را درسی «مفهومی» و «بینشی» و متفاوت از دروس تاریخ معماری تلقی کرده و گروهی دیگر نیز آن را درسی «دانشی» و مبتنی بر دروس تاریخ معماری می‌دانند. گروهی نیز معتقدند که اساساً مسئله این درس به میزان کمی واحدهای آن مربوط است. اختلاف نظر بر سر «دوره زمانی» مورد مطالعه در این درس در متد دوم نیز موضوعی بسیار بحث برانگیز است. تعریف واژه «معاصر» از ترجمان لغوی تا معنای خاص آن، دوره بندی‌های متفاوتی را در تدوین شرح درس برای اساتید ایجاد می‌نماید. به علاوه نکته مغفول در تمام حالت‌های بالا، موضوع مهم و اغلب از قلم افتاده «معماری معاصر ایران» است. مقاله‌ی حاضر در نظر دارد تا با مورد مطالعه قراردادن دقیق متدهای آموزشی این درس در دانشگاه‌های کشور و مقایسه‌ی آن با برخی از دانشگاه‌های مطرح جهان، به بررسی کمی و کیفی جایگاه، تعداد واحدهای آموزشی و متدهای آموزشی این درس پرداخته تا از آن طریق بتواند در ارتقای آموزش مباحث نظری در رشته معماری مؤثر واقع شود.

واژه‌های کلیدی

آموزش معماری، مبانی نظری معماری، تاریخ معماری، معماری معاصر، معماری مدرن، معماری معاصر ایران.

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان «اهمیت، جایگاه و متدهای آموزشی درس آشنایی با معماری معاصر»، می‌باشد که در دانشکده معماری پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران به انجام رسیده است.

** نویسنده مسئول: تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۰۹۶۹۶، نمابر: ۰۲۱-۶۶۴۱۱۰۰۴، E-mail: saeed.haghir@ut.ac.ir

مقدمه

تبدیل خواهد شد، که احتمالاً هدف این درس را تأمین نمی‌نماید. از طرف دیگر و در متدی دیگر، اگر آموزش این درس، در برگیرنده‌ی کلیه زیرساخت‌ها و مبانی نظری لازم برای درک معماری مدرن باشد، در قالب دو واحد درسی، حداکثر استاد مربوطه، می‌تواند دوره‌ی مورد مطالعه در این درس را به انتهای دوره آر-نووا و یا حداکثر به انتهای دوران مدرنیسم برساند. در این صورت، تمام دوران لیت مدرن، پست مدرن و سبک‌های انتهای هزاره به همراه کل مبحث معماری معاصر ایران هرگز به دانشجویان کارشناسی معماری آموزش داده نخواهد شد. قابل ذکر است که مبحث معماری معاصر در ایران در برنامه آموزشی ستاد کلاً دیده نشده است. بنابراین از آنجا که دوران معاصر ایران یکی از دوران‌های بسیار پر چالش در معماری این سرزمین بوده، و تغییر فرم‌های معماری پس از هزاران سال، در این دوران آغاز و تداوم یافته، آشنایی دانشجویان ایرانی با این دوره از معماری سرزمینشان، یک ضرورت اجتناب ناپذیر می‌باشد.

بدین لحاظ، ضرورت بازاندیشی در محتوا، کمیت و کیفیت آموزش این درس در چارچوب اهداف ستاد انقلاب فرهنگی، یک ضرورت قابل ملاحظه در برنامه آموزش معماری تلقی می‌گردد. فرضیه‌های این تحقیق را می‌توان به صورت زیر دسته بندی نمود:

- میزان دو واحد درسی برای این حجم درس ناکافی بنظر می‌رسد و افزایش تعداد کمی واحدهای درسی می‌تواند به عنوان نخستین فرضیه این تحقیق در نظر گرفته شود.

- به نظر می‌رسد مدت آموزش این درس می‌بایست ترکیبی از مدت دانشی و بینشی باشد و این متدها، هیچکدام به تنهایی پاسخگوی اهداف این درس نیست.

- افزودن شرح درس معماری معاصر ایران در قالب افزایش تعداد واحدها به گونه‌ای که کسری واحدهای آموزشی این درس را، هم برای بخش غرب و هم برای بخش ایران تأمین نماید، ضروری به نظر می‌رسد.

نتایج این پژوهش به صورت کاملاً هدفمند پاسخگوی بخشی از نیازهای آموزشی در حیطه مباحث نظری در رشته معماری می‌باشد. این نتایج می‌تواند در فرآیند بازنگری دروس دوره کارشناسی و حتی کارشناسی ارشد و دکتری معماری نیز حائز اهمیت تلقی شود.

اهمیت بذل توجه به آموزش معماری در جوامع تا حدی است که شرایبر (۲۰۱۰) بیان می‌نماید که از اهداف اولیه آموزش معماری، تربیت طراحان یا سازندگان حرفه‌ای، نیصلاح، خلاق، دارای تفکر نقادانه و اخلاقی است که منجر به توسعه اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی جامعه، در هر دو سطح ملی و جهانی، می‌گردد. آموزش معماری زمینه‌ای میان-رشته‌ای است که در برگیرنده‌ی علوم انسانی، علوم اجتماعی و فیزیکی، فن آوری، و هنرهای خلاق است. (Schreiber, 2010)

«آشنایی با معماری معاصر» درسی است که به عنوان یک درس الزامی در دروس کارشناسی معماری بر مبنای سرفصل‌های ستاد انقلاب فرهنگی گنجانیده شده است. توجه به واژه «معاصر» در عنوان این درس همواره ایجاب می‌کند که بازنگری در محتوای این درس بر مبنای آخرین یافته‌های هم عصر ما مورد مذاقه قرار گیرد. لیکن از زمانی که برنامه جدید دوره کارشناسی در ستاد انقلاب فرهنگی برای این درس تدوین شده تاکنون، زمان قابل ملاحظه‌ای سپری گشته و محتوای این درس و متدهای آموزشی آن هرگز مورد بازنگری قرار نگرفته است. چنین به نظر می‌رسد این امر با ذات «هم عصر بودن» در ارائه این درس در تضاد می‌باشد.

همچنین چند نکته حائز اهمیت و قابل مطالعه در درس «آشنایی با معماری معاصر» قابل طرح می‌باشد. اول آنکه به نظر می‌رسد تعداد واحدهای درس «آشنایی با معماری معاصر» با توجه به اهمیت آن برای دانشجویان کارشناسی بسیار اندک است. همچنین مطالعات انجام شده حاکی از این امر است که دوره مورد مطالعه در آموزش درس «آشنایی با معماری معاصر» در دانشگاه‌های مطرح اروپایی و امریکایی، از زمان تغییر تصور فضایی در دوره رنسانس و شکل‌گیری پرسپکتیو آغاز گردیده و تا دوره امروز ادامه می‌یابد. به علاوه مبحث معماری معاصر در ایران، یکی از مباحثی است که بطور کلی در برنامه آموزشی دانشجویان معماری از قلم افتاده است.

از طرفی ظاهراً در برخی از مراکز آموزشی، آموزش این درس بدون ملاحظات زیرساختی و اندیشه‌ای در موضوعاتی مانند مفهوم مدرنیته و چگونگی تغییر تصور فضایی در قرون جدید و صرفاً از طریق آشنایی دانشجویان با نام‌ها و پروژه‌ها انجام می‌شود. در بهترین وضعیت متصور برای این مدت آموزشی، تدریس آن به نوعی مطالعه ژورنالیسم معماری

۱- پیشینه‌ی تحقیق

موضوع آموزش درس «آشنایی با معماری معاصر» نپرداخته است که این امر ضرورت یک تحقیق مستقل در این زمینه را بیشتر گوشزد می‌نماید. لیکن بدیهی است که مراجعه به اسناد ستاد انقلاب فرهنگی در تدوین شرح درس و چگونگی دستیابی به شرح درس حاضر، یکی از اسناد مورد مطالعه در این مقاله خواهد گردید.

موضوع تحقیق در این مقاله، به صورت مستقل فاقد هرگونه سابقه مشخص و مشابهی در ایران می‌باشد. در «مجموعه مقالات (اولین، دومین و سومین دوره ی همایش) آموزش معماری، بررسی چالش‌ها، جستجوی راهکارها» نیز، هیچ مقاله‌ای به

معماری معاصر» بیان نماید.

۳- «آشنایی با معماری معاصر» در سرفصل‌های مصوب دروس کارشناسی معماری

در روند تهیه‌ی این مقاله، سرفصل‌های مصوب شورایی عالی برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی وقت، مورد بررسی قرار گرفت. مطالعات حاکی از آن است که تقریباً در هیچ‌یک از دانشگاه‌های کشور، این سرفصل‌ها بصورت عنوانین قید شده در آنها در حال اجرا نبوده و نیستند.

طبق سرفصل فوق‌الذکر، درس «آشنایی با معماری معاصر» در برنامه‌ریزی آموزش کارشناسی معماری، در دو واحد نظری پیش‌بینی گردیده است. هدفی که برای این درس در این سرفصل ذکر شده، عبارت است از: «آشنا کردن دانشجویان با ریشه‌های تاریخی، فکری و اجتماعی مؤثر در معماری معاصر و زمینه‌های پیدایش مدرنیسم و نیز جنبش‌های بعد از مدرنیسم. بحث این درس از عصر روشنفکری و تحولات معماری قرن نوزدهم آغاز و در سیر تاریخی با اشاره به جنبش‌های موزی یا متناظر در معماری معاصر ادامه می‌یابد» (سرفصل درس «آشنایی با معماری معاصر» مصوب شورایی عالی برنامه‌ریزی، وزارت فرهنگ و آموزش عالی).

چنین به نظر می‌رسد که این هدف، چندان با مطالعه تدوین نشده، و تدوین کنندگان این برنامه، بر این موضوع که عصر روشنگری مربوط به قرون ۱۶ و ۱۷ میلادی در اروپا بوده و ارتباطی به قرن ۱۹ میلادی ندارد، واقف نبوده و یا از لحاظ تاریخی مرتکب اشتباه فاحشی شده‌اند.

در سرفصل مذکور، روش ارائه‌ی این درس نیز چنین بیان شده: «این درس به کمک اسلاید، فیلم و سمینارهای جنبی ارائه می‌گردد» (همان سرفصل درس). این توصیه در روش تدریس به نوعی روند درس را به سوی بررسی پروژه‌ها در معماری معاصر سوق داده و طبیعتاً جایگاهی برای مباحث نظری در آن دیده نمی‌شود و خطر ژورنالیستی کردن آموزش این درس را تشدید می‌کند.

در فهرست مباحث پیشنهادی این سرفصل، در ۱۴ مورد که به شرح آن در ادامه پرداخته خواهد شد، مواردی جهت طرح درس ارائه گردیده است که عمدتاً دارای اشتباهات فاحش از نظر تاریخی و یا معنایی بر مبنای منابع جدید و معتبر می‌باشند:

۱. مطابق این سرفصل، چنین آمده است: «تحولات معماری در قرن نوزدهم (با اشاره به عصر روشنگری و انقلاب فرانسه و انقلاب صنعتی)» (همان سرفصل درس). لازم به یادآوری است که عصر روشنگری به قرون ۱۶ و ۱۷ میلادی، انقلاب فرانسه به قرن ۱۸ و انقلاب صنعتی، قرون ۱۷ و ۱۸ را شامل می‌گردند و در هر حال، قرن نوزدهم، نه هم عصر دوران روشنگری، و نه انقلاب فرانسه و نه انقلاب صنعتی است.

۲. در این سرفصل همچنین آمده است که «خردگرایی و عملکردگرایی قرن نوزدهم، رومانتیسیسم قرن نوزدهم و منجر شدن این دو به پیدایش جنبش پیش‌قدمی» (همان سرفصل درس). مراجعه به منابع تاریخی در معماری نشان می‌دهد که در قرن ۱۹،

در مطالعه‌ی تحقیقات خارجی مرتبط با موضوع تحقیق حاضر، فاولز (۱۹۹۰) بر اهمیت به روز بودن و پویایی آموزش معماری تأکید می‌نماید؛ بطور کلی، وی در این تحقیق نتیجه گرفته است که آموزش معماری یک شغل ساده نیست، بلکه طریقه‌ای از زندگی است که مرز بین خانه، کار و تکامل شخصی را در خود حل می‌نماید. (Fowles, 1990)

گروک (۱۹۸۸)، مطالعه‌ی تجربی در کشور انگلیس در رابطه با مسائل و مشکلات زمان خود در آموزش معماری در آن کشور انجام داده، و در نهایت، سیاست‌ها و برنامه‌هایی را برای بهبود آن وضعیت، بیان نموده است. وی اغلب مشکلات زمان خود را با سیاستگذاری‌های جدید و سرمایه‌گذاری سازمان‌های مربوطه قابل حل شدن دیده است (Groák, 1988).

کاپن (۱۹۸۳)، با انجام مطالعه‌ی تجربی بر لزوم آموزش ملاحظات زیرساختی و اندیشه‌های سبک‌ها و تفاوت مفاهیم آنها در آموزش معماری تأکید می‌نماید (Capon, 1983) و در جای دیگر، ونگ (۲۰۰۹)، از جمله مزایای استفاده از تکنولوژی و ابزار انفورماتیک در آموزش معماری را، امکان تبادل اطلاعات آموزشی فرای مرزهای جغرافیایی و فرهنگی بیان می‌کند و این امر را در ارتقای آموزش معماری بسیار مؤثر می‌داند (Wang, 2009).

مصاحبه‌ها و بررسی متدهای آموزش درس معماری معاصر در ایران و تحقیقات مرتبط انجام شده در کشورهای دیگر، به همراه تجزیه و تحلیل‌های مبتنی بر این مدارک، مبنای مطالعه این تحقیق خواهند بود.

۲- روش تحقیق

این تحقیق از نوع کاربردی و روش تحقیق در آن، به صورت استقرایی و از طریق مطالعه میدانی، تدوین پرسشنامه و مصاحبه‌ها و مطالعه‌ی کتابخانه‌ای صورت گرفته است. در ابتدا به بررسی وضع موجود آموزش درس «آشنایی با معماری معاصر» در مدارس معماری کشور پرداخته شده و سپس روش‌های متفاوت آموزشی آن گروه‌بندی شده است. سپس به تحلیل کمی و کیفی آموزش این درس در برخی از دانشگاه‌های مطرح اروپایی و امریکایی پرداخته، و علاوه بر مقایسه و تحلیل داده‌های فوق، گروه‌بندی‌های لازم برای آنها نیز انجام شده است. همزمان با این دو مرحله از تحقیق، مطالعات ستاد انقلاب فرهنگی در نحوه شکل‌گیری سرفصل‌های موجود مورد مطالعه قرار گرفت.

در ادامه، انجام مصاحبه‌ها بر مبنای پرسشنامه‌های طراحی شده از اساتید این درس در دانشگاه‌های ممتاز دولتی ایران در دستور کار قرار گرفت و پس از آن تدوین مطالعات همبستگی آماری و مقایسه‌ای بر مبنای داده‌های جمع‌آوری شده نتایج آماری قابل توجهی به دست داد. در نهایت، تحلیلی مقایسه‌ای بر مبنای کل یافته‌ها انجام شده، و بر این مبنای زمینه‌های تحقیق مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. این مقاله سعی دارد در انتها، پیشنهاداتی در راستای ارتقای کیفیت آموزشی درس «آشنایی با

۶. مورد بعد در این سرفصل، «معماری ارگانیک (وجوه راسیونالیستی و رمانتیک آن)» می باشد. احتمالاً تدوین کنندگان این سرفصل، تعریف اختصاصی خود را از واژه رمانتیک دارند، چرا که هرچند معماری ارگانیک دارای وجوه راسیونالیستی خاصی می باشد، ولی قطعاً ارتباطی به رمانتیسیسم ندارد.

۷. موضوع موردسؤال دیگر در این سرفصل، «معماری نئوکلاسیک قرن بیستم» می باشد که احتمالاً منظور تدوین کنندگان فهرست، معماری نئوکلاسیک خردگرا است که می بایست همزمان با بحث آر-نوو مطرح گردد؛ چرا که نئوکلاسیک خردگرا یکی از سبک‌های زیرمجموعه آر-نوو در گرایش خردگرایانه ی آن می باشد. (Pevsner, 1979, 119)

۸. عبارتی در این سرفصل وجود دارد که نقل قول مستقیم آن چنین است: «تحولات بین مدرنیست‌ها بعد از جنگ جهانی دوم» اگر منظور از این عبارت، اشاره به اختلافات معماران مدرنیست در همین کنگره ی سیام می باشد، به نظر می رسد این جمله از نظر ادبی و انشای فارسی و همچنین محتوای آن، نیاز به ویراستاری دارد تا قابل فهم گردد.

۹. در ادامه ی این سرفصل، عنوان «راسیونالیسم متأخر و شیوه‌گرایی نوین» بیان شده است. چنین به نظر می رسد که اضافه نمودن واژه ی «متأخر» به «راسیونالیسم» تعریف نشده و فاقد مفهوم است؛ همچنین، واژه ی «شیوه‌گرایی نوین» نیز مشخص نیست که به چه سبک یا مکتب هنری اشاره می کند. در تاریخ هنر، شیوه‌گرایی یا منریسم، سبکی است که به سده ی ۱۶ میلادی بازمی‌گردد.

۱۰. «مهندسی معماری (فرم‌های نوین ساختمانی برگرفته از مصالح جدید)»، عنوان یازدهم از فهرست سرفصل مذکور است. با در نظر گرفتن جایگاهی که برای این مورد در فهرست و با سلسله مراتب زمانی دیده شده است، می توان گفت که نگارنده آن را به پیش از دهه ی ۶۰ قرن بیستم یا پس از آن نسبت داده است؛ در حالت اول باید گفت که تکنولوژی و مصالح در بین دهه ی ۴۰ و ۶۰، تغییر چندانی را به خود ندیده و اگر حالت دوم مدنظر باشد، عبارت مذکور از لحاظ ترتیب زمانی در جایگاه مناسبی قرار نگرفته است.

۱۱. در ادامه ی این سرفصل، «دهه ی ۱۹۶۰، آرمانگرایی‌های قرن بیستم (گروه آرشیگرام و ...» ذکر شده است. در این رابطه سؤالی که به ذهن می رسد آن است که «و ...» را با چه سبک‌ها و جنبش‌هایی می توان تکمیل نمود و هدف نگارنده از بیان آن چه بوده است!

۱۲. فصل بعدی در این فهرست، «جنبش‌های دهه ی ۶۰ و ۷۰، ساختارگرایی در معماری، پسامدرن» می باشد. از نظر تاریخ هنر، ساختارگرایی یا کانستراکتیویسم به دهه ی ۲۰ میلادی و اوایل دهه ی ۳۰ قرن بیستم بازمی‌گردد و نه دهه ی ۶۰ و ۷۰ قرن بیستم

۱۳. «معماری High Tech و معماری دیکانستراکشن» عنوان مورد استفاده ی بعدی است که در این فهرست است، که طبیعتاً این دو گرایش معماری می بایست به صورت منفک و به تفکیک

فرآیندهای غیرخردگرایانه در معماری به شدت به سمت اگلکتیسم می‌روند و چندان نشانه‌ای از خردگرایی و عملکردگرایی در آنها دیده نمی‌شود. این تمایلات خردگرای در این دوره به حدی است که بسیاری از منتقدین این دوره را بی‌خردانه‌ترین دوره در تاریخ معماری غرب می‌دانند (بنه ولو، ۱۳۸۴، ۲۱۱-۲۱۰). تنها مورد استثنای این دوره، مربوط به جنبش رئالیسم در معماری می‌باشد که در بنای کریستال پالاس لندن خود را به نمایش می‌گذارد؛ و البته هیچکدام از این موارد چندان با موضوع رمانتیسیسم که در ادامه سرفصل مذکور بیان شده همخوانی ندارد.

۳. در ادامه این سرفصل، به جنبش هنرها و صنایع دستی، آر-نوو و دستیل اشاره شده است در حالی که پیش از مطالعه ی این موارد، مطالعه ی مکتب شیکاگو-که اساساً جایگاهی در این فهرست برایش دیده نشده است!- از لحاظ سیر تاریخی ضروری‌تر به نظر می‌رسد. خصوصاً آنکه شکل‌گیری مکتب فوق تحت تأثیر مکتب شیکاگو بوده و عدم آموزش مکتب شیکاگو در معماری معاصر، به معنای از دست دادن مهم ترین دوره ی تاریخی در آموزش معماری معاصر می باشد (بنه ولو، ۱۳۸۴، ۳۱۹-۳۱۸).

۴. در سه مورد متوالی بعدی، به مدرنیسم، عملکردگرایی و خردگرایی، مدرسه ی باهاوس، مدرنیسم معماری و شهرسازی، سیام و منشور آتن اشاره گردیده است. در حالی که آر-نوو، مکتب و جنبش بسیار بزرگی است که بسیاری از سبک‌ها و گرایش‌های بعدی اشاره شده در این برنامه را دربر خواهد گرفت؛ سبک‌ها و گرایش‌هایی نظیر اکسپرسیونیسم، خردگرایی اوایل مدرن، آرت دکو و نئوکلاسیک خردگرا، جملگی از زیرمجموعه‌های آر-نوو محسوب می‌گردند. به نظر می‌رسد که این موارد به طور نامنظم در فهرست پخش گردیده و ارتباط منطقی خود را با روند تاریخی و منطقی آموزش معماری معاصر از دست داده‌اند.

لذا احتمالاً تدوین‌کنندگان محترم این برنامه می‌توانستند عملکردگرایی، خردگرایی را بطور مجزا در بخشی مستقل مورد بحث قرار داده و بحث مجزا و مستقلی را برای آر-نوو و با توجه به اهمیت و جایگاه آن اختصاص دهند؛ و همچنین قادر بودند برای سایر موارد به ترتیبی که دارای ارتباط منطقی بوده و منسجم به نظر برسد، بخش مستقلی را در نظر بگیرند.

۵. عنوان بعدی در این سرفصل، «اکسپرسیونیسم و ترادیسیونالیسم (نوعی تقابل با شعارهای مدرنیسم)» بیان شده است. توضیح آن که طی جستجویی که در رابطه با ترادیسیونالیسم انجام گردید، هیچ منبعی در بیان ترادیسیونالیسم در هنر و یا معماری که هم‌ارز اکسپرسیونیسم باشد، یافت نشد و همانطور که پیش از این نیز پیش‌بینی می‌گردید، سبکی با عنوان ترادیسیونالیسم در معماری اساساً وجود ندارد! این گرایش در دوره‌هایی متعدد با توجه به سبک‌های گذشته، طرح و از میان رفته است. حتی اگر بر فرض، این عنوان در جایگاهی هم‌تراز و نزدیک به اکسپرسیونیسم در نظر گرفته شود، به طور قطع نمی‌توان این دو را با هم در مقابل مدرنیسم قرار داد. چرا که اکسپرسیونیسم، خود قائل به قرائتی خاص از اصول مدرنیته در هنر می باشد.

مطرح شوند.

۱۴. آخرین مورد ذکر شده در این فهرست «معماری معاصر ایران (قاچاریه، پهلوی)» است و سؤال مهم در این جا این است که آیا حقیقتاً این جایگاهی مناسب، کافی و ارزشمند برای معماری معاصر ایران است؟

۴- طرح پرسشنامه

در روند این تحقیق، پرسشنامه‌ای تهیه و در اختیار برخی از اساتید این درس در دانشگاه‌های برگزیده‌ی ایران قرار داده شد تا بتوان از نظرات آنان برای دستیابی به نتایج این تحقیق استفاده نمود. بخشی از این پرسشنامه‌ها مربوط به وضعیت فعلی آموزش درس «آشنایی با معماری معاصر» بوده و بخشی دیگر از آن راجع به چگونگی ارتقا و بهبود وضع فعلی است.

در ابتدای پرسشنامه، در چند سطر مقدمه‌ای بر محتوای کلی و هدف از طراحی پرسشنامه (تحقیق) به اطلاع پاسخگو رسانده شده و از آنها خواسته شده است که پس از بیان نام و نام خانوادگی خود، اطلاعات مختصری راجع به مدرک، رشته‌ی تحصیلی، رتبه‌ی علمی و دانشگاه محل خدمت خود ارائه دهند.

قابل ذکر است که در طرح این پرسشنامه، تلاش بر این بوده است که تسلسل منطقی بین سئوالات وجود داشته و هر سؤال با توجه به هدفی معین و بادر نظر گرفتن نحوه‌ی استخراج آن و نوع استفاده از آن مطرح گردد. در عین حال تلاش شده که از اثر القایی سئوالات بر یکدیگر جلوگیری شود زیرا این اثر موجب پاسخ‌ها تولید پاسخ‌های خاص اندیشانه را فراهم می‌آورد.

سئوالات در این پرسشنامه بصورت باز در نظر گرفته شده‌اند تا این امکان را برای پاسخ دهنده ایجاد نماید که جواب را با عبارات و کلمات خود به طور تشریحی بیان کند. این‌گونه از سئوالات، زمینه‌های فکری لازم را برای عکس العمل پاسخ دهنده فراهم می‌نمایند و گاهی محقق را با نظرات غیر منتظره‌ای آشنا می‌سازند. گرچه پاسخگویی و به دنبال آن، تحلیل آنها، نیازمند زمان بیشتری است، لیکن به نظر نویسندگان مقاله حاضر، باز گذاشتن پاسخ سئوالات در این جا، پتانسیل بیشتری برای دریافت پاسخ‌های جامع را فراهم می‌نماید.

به طور کلی در طرح چهار سؤال آغازین پرسشنامه، هدف سنجش این است که اساتید تا چه حد با تغییر شرایط موجود برای تدریس واحد درسی «آشنایی با معماری معاصر» موافق هستند و چه کالبد جدیدی را برای آن مناسب می‌بینند. سپس در طی سئوالات پنج تا یازده، به بررسی محتوای قابل ارائه تحت عنوان و موضوع این درس پرداخته می‌شود.

اولین سؤال در بخش نخست، چنین است که «آیا با افزایش تعداد واحد درسی، درس «آشنایی با معماری معاصر» موافق هستید؟» این سؤال با این هدف بیان شده است که آیا اساتیدی که در حال حاضر مشغول به تدریس این واحد درسی می‌باشند از وضعیت موجود ارائه‌ی این درس راضی هستند و یا اینکه ضرورتی بر افزایش تعداد واحدهای درسی آن می‌بینند.

سؤال دوم نیز در ادامه این امر را مطرح می‌نماید که در صورتی که پاسخگو موافق افزایش واحدهای این درس در سرفصل دروس کارشناسی معماری است، افزایش تعداد واحدهای آن را به چه تعداد ضروری می‌بیند.

در طرح سؤال سوم، تلاش شده که در کالبد دیگری، ارزیابی پاسخگو از وضعیت موجود تدریس این واحد درسی مورد پرسش قرار گیرد که «آیا موافقید که این درس به صورت دو درس «آشنایی با معماری معاصر ۱ و ۲» تبدیل شود؟» و در ادامه‌ی آن نیز سؤال شده که «در صورت موافقت، به هر قسمت چند واحد را اختصاص می‌دهید؟».

در ابتدای بخش بعدی سؤال‌ها، اولین پرسش این است که «آیا با ارائه سرفصل «معماری معاصر ایران» در قالب درس «آشنایی با معماری معاصر» موافقید؟».

ششمین سؤال، «آیا با ارائه یک درس مستقل با نام «معماری معاصر ایران» موافقید؟»، پیشنهاد دیگری را مورد سؤال قرار می‌دهد که در آن جایگاهی بیش از تنها یک عنوان در سرفصل دروس، بلکه یک درس مجزا با رویکرد به معماری معاصر ایران مطرح شده است. هدف از مطرح نمودن دو سؤال پنجم و ششم، سنجش این امر بوده است که اساتید، در صورت عدم رضایت از جایگاه فعلی موضوع «معماری معاصر ایران» در سرفصل‌های مصوب، برای اصلاح آن را چگونه می‌بینند؛ آیا با اضافه نمودن سرفصل «معماری معاصر ایران» در قالب درس «آشنایی با معماری معاصر» موافق هستند و یا ترجیح را در ارائه یک درس مستقل با نام «معماری معاصر ایران» می‌بینند. لازم به ذکر است که مطابق اصول طرح پرسشنامه، این هدف در دو سؤال مجزا و بصورت کوتاه پاسخ مورد ارزیابی قرار گرفته است، چرا که این روش، سبب تسهیل در مطالعه‌ی پاسخ‌ها و نیز امکان روشن‌تر بیان نمودن منظور و هدف پرسشگر را فراهم می‌نماید.

پرسش هفتم، عبارت است از اینکه «درس «آشنایی با معماری معاصر» را یک درس «بینشی» می‌دانید که بیشتر به مفاهیم معماری معاصر می‌پردازد یا «دانشی» که بیشتر به مصادیق معماری معاصر می‌پردازد؟» این سؤال با هدف ارزیابی و سنجش نظر اساتید در رابطه با نوع درس و قراردادن آن در جایگاه دروس «دانشی» یا «بینشی» مطرح شده است.

سئوالات هشتم تا یازدهم، در ادامه‌ی انتخاب جایگاه «بینشی» و یا «دانشی» برای درس «آشنایی با معماری معاصر» آمده‌اند. پرسش هشتم و نهم، در صورت انتخاب جایگاه «بینشی» توسط پاسخگو برای درس مذکور، مطرح شده‌اند؛ و در سؤال هشتم، آمده است که «آیا بیشتر از نگاه انتقادی به دنیای معاصر نگاه می‌کنید یا در جهت تأیید آن و یا آنکه بی‌طرفانه مسائل را ارزیابی می‌نمایید؟» و در سؤال نهم نیز مطرح شده است که «آیا به آموزش مفاهیم دنیای مدرن و معاصر می‌پردازید یا به بررسی نظریه‌های معماری معاصر؟».

مقابلاً سئوالات دهم و یازدهم، در ادامه‌ی انتخاب جایگاه «بینشی» توسط پاسخگو برای درس مذکور، مطرح گردیده‌اند. دوره‌ی زمانی منتخب استاد برای این درس، در پرسش دهم

نفر)، تعداد افرادی که به مباحث قرن بیست می‌پردازند (۴ نفر)، بسیار نزدیک به تعداد افرادی است که به تدریس دوره‌ی رنسانس تا دنیای حاضر پرداخته (۵ نفر) و کمترین تعداد (۲ نفر) به قرن نوزده و بیست می‌پردازند. به علاوه، اکثریت اساتید در این گروه، در تدریس این درس، بر پروژه‌ها تأکید می‌نمایند (۸ نفر) و در مقابل، ۱ نفر بر معماران تأکید نموده و ۲ نفر، بر هر دو عنوان تأکید می‌نمایند. از بررسی پاسخ‌های ارائه شده به آخرین پرسش، اینگونه بر می‌آید که تمامی پاسخگویان، در درس موضوع تحقیق، از تکنولوژی‌های کمک آموزشی مانند نمایش فیلم، اسلاید و ... استفاده می‌نمایند.

در تحلیل پرسشنامه‌های تکمیل شده می‌توان گفت که به طور کلی، اساتید تمایل به افزایش تعداد واحدهای درسی درس «آشنایی با معماری معاصر» داشته و از وضع موجود ناراضی می‌باشند. این تمایل به افزایش واحدها، بیشتر به میزان دو واحد درسی دیده شده است و در این رابطه نیز اکثر اساتید خواهان تفکیک این درس به دو درس «آشنایی با معماری معاصر» ۱ و ۲ هستند؛ ۲ واحد برای هر درس.

در رابطه با موضوع ارائه‌ی سرفصل «معماری معاصر ایران» در قالب درس مورد بحث، اکثر نظرات، مثبت دیده شد و به نظر می‌رسد جای خالی این عنوان در سرفصل‌های درس «آشنایی با معماری معاصر»، به شدت محسوس است. لیکن این نیاز، بیشتر در قالب اضافه نمودن یک سرفصل دیده شده است و نه ارائه‌ی یک درس مستقل با نام «معماری معاصر ایران».

در پرسشنامه‌ها، اکثر اساتید درس «آشنایی با معماری معاصر» را درسی دانشی و بینشی دانسته‌اند؛ درسی که هم به مفاهیم معماری معاصر می‌پردازد و هم به مصادیق آن. این پاسخ را می‌توان در نقد شرایط فعلی آموزش این درس در دانشگاه‌های ایران دانست که برخی آن را تنها در مفاهیم مورد بحث قرار داده و عده‌ای دیگر نیز با موضوع درس، برخورد ژورنالی نموده و مصادیق را مورد ارزیابی و مطالعه قرار می‌دهند. در این راستا، مطالعه‌ی پرسشنامه‌ها حاکی از آن است که تعداد افرادی که این درس را تنها بینشی و یا تنها دانشی دانسته‌اند، بسیار نزدیک به یکدیگر است.

از جهتی، در بررسی جنبه‌ی بینشی این درس، در پاسخ‌ها دیده می‌شود که اکثریت اساتید به دیده‌ی بی‌طرف به آموزش مفاهیم معماری معاصر می‌پردازند؛ لیکن عده‌ی اندکی نیز مفاهیم را با نگاه انتقادی بررسی می‌نمایند. شاید بتوان گفت که نقد مفاهیم در آموزش، چندان مورد پسند نبوده و بهتر است که به عهده‌ی خود دانشجویان نهاده شود و از تلقین یک نگاه خاص و منتقدانه به دانشجو، خودداری گردد. در ادامه، دیده می‌شود که تمامی اساتید، هم به آموزش مفاهیم دنیای مدرن و معاصر می‌پردازند و هم به بررسی نظریه‌های معماری معاصر. این نکته که هر دو جنبه‌ی ممکن برای نگاه بینشی به این درس، در آموزش آن توسط اساتید دیده شده، را نیز می‌توان به گونه‌ای مثبت مورد ارزیابی قرار داد. از جهت دیگر، در رابطه با بازه‌ی زمانی منتخب، آن دسته از اساتید که درس «آشنایی با معماری معاصر» را دانشی دانسته‌اند؛

مورد سؤال قرار گرفته است و در سؤال یازدهم آمده است که تأکید مدرس بر پروژه‌های معاصر است یا معماران معاصر. آخرین و دوازدهمین پرسش، در رابطه با استفاده یا عدم استفاده از تکنولوژی‌های کمک آموزشی نظیر نمایش فیلم و اسلاید و از این دست، طرح شده است.

۵- مطالعه و تحلیل پرسشنامه‌های تکمیل شده

تعداد پانزده پرسشنامه، توسط اساتید درس مورد مطالعه در این تحقیق، در دانشگاه‌های منتخب ایران، تکمیل گردید، که آمار حاصل از این بررسی، به شرح ذیل است؛ جدول یک، نشان دهنده‌ی پراکندگی پاسخ‌ها به سؤالات پرسشنامه است. از مطالعه‌ی پرسش‌نامه‌های تکمیل شده در سؤال اول، قابل مشاهده است که اکثریت اساتید (۱۲ نفر) با افزایش تعداد واحدهای درسی موافق هستند و از این رو، می‌توان گفت که بیشتر آنها از وضع موجود ناراضی اند. از پاسخ‌های داده شده به سؤال دوم، دیده می‌شود که از ۱۲ نفر متمایل به افزایش تعداد واحدهای درسی، ۱۱ نفر مایل به افزایش واحدها به میزان ۲ واحد و تنها ۱ نفر مایل به افزایش تعداد واحدها به میزان ۳ واحد است. بنابراین اکثریت قریب به اتفاق اساتید مایل به افزایش تعداد واحدهای درس «آشنایی با معماری معاصر»، از ۲ واحد به ۴ واحد هستند.

در سؤال سوم، در نظرخواهی انجام شده در این تحقیق، بیشتر پاسخگویان (۱۲ نفر از ۱۵ نفر) موافق تبدیل درس موضوع تحقیق، به دو درس «آشنایی با معماری معاصر» ۱ و ۲ هستند. در سؤال چهارم، در ادامه‌ی تقسیم درس به دو درس «آشنایی با معماری معاصر» ۱ و ۲، اکثر اساتید (۱۱ نفر) ۲ واحد را برای هر قسمت پیشنهاد نموده و تنها ۱ نفر، ۲ واحد را برای معماری معاصر ۱ و ۳ واحد برای معماری معاصر ۲ در نظر داشته است. مطابق پاسخ‌های ارائه شده برای پرسش پنجم، ۱۳ نفر از ۱۵ پاسخگو با ارائه‌ی سرفصل معماری معاصر ایران در قالب درس «آشنایی با معماری معاصر» موافق بوده و ۲ نفر مخالف هستند. در ادامه در سؤال ششم، ۲ نفر با ارائه‌ی یک درس مستقل به نام معماری معاصر ایران موافق بوده و اکثریت آنها (۱۳ نفر) مخالف هستند.

در بررسی پاسخ‌های ارائه شده به سؤال هفتم، بیشتر افراد (۸ نفر) آن را هم دانشی و هم بینشی دانسته، ۳ نفر آن را دانشی و ۴ نفر آن را بینشی می‌دانند. طبق مطالعه‌ی پرسش هشتم و نهم، از میان افرادی که گزینه‌ی بینشی را برای درس، انتخاب نموده‌اند، تنها سه نفر با نگاه انتقادی به آن نگاه می‌کنند و اکثریت افراد این گروه (۹ نفر) با نگاه بی‌طرفانه مسائل آن را ارزیابی می‌نمایند. این در حالی است که تمام افراد این گروه (۱۲ نفر)، به آموزش مفاهیم دنیای مدرن و معاصر در کنار بررسی نظریه‌های معماری معاصر می‌پردازند.

در پرسش‌های ۱۰ و ۱۱، در گروه اساتیدی که گزینه‌ی دانشی را برای درس «آشنایی با معماری معاصر» انتخاب نموده‌اند (۱۱)

جدول ۱- پراکندگی پاسخ‌های ارائه شده به سؤالات پرسشنامه.

سؤال	پاسخ	تعداد
سؤال ۱: آیا با افزایش تعداد واحد درسی، درس آشنایی با معماری معاصر موافق هستید؟	بله	۱۲ نفر
	خیر	۳ نفر
سؤال ۲: در صورت مثبت بودن به چه میزان؟	۲ واحد	۱۱ نفر
	۳ واحد	۱ نفر
سؤال ۳: آیا موافقت می‌کنید که این درس به صورت دو درس آشنایی با معماری معاصر ۱ و ۲ تبدیل شود؟	بله	۱۲ نفر
	خیر	۳ نفر
سؤال ۴: در صورت موافقت بودن به هر قسمت چند واحد اختصاص می‌دهید؟	۲ واحد برای هر قسمت	۱۱ نفر
	۲ واحد برای معماری معاصر ۱	۱ نفر
	۳ واحد برای معماری معاصر ۲	
سؤال ۵: آیا با ارائه سرفصل «معماری معاصر ایران» در قالب درس «آشنایی با معماری معاصر» موافقت می‌کنید؟	بله	۱۳ نفر
	خیر	۲ نفر
سؤال ۶: آیا با ارائه یک درس مستقل با نام «معماری معاصر ایران» موافقت می‌کنید؟	بله	۲ نفر
	خیر	۱۳ نفر
سؤال ۷: درس آشنایی با معماری معاصر را یک درس «بینشی» می‌دانید که بیشتر به مفاهیم معماری معاصر می‌پردازد یا «دانشی» که بیشتر به مصادیق معماری معاصر می‌پردازد؟	هم بینشی و هم دانشی	۸ نفر
	دانشی	۳ نفر
	بینشی	۲ نفر
سؤال ۸: در صورتی که انتخاب شما برای این درس «بینشی» است، بیشتر از نگاه انتقادی به دنیای معاصر نگاه می‌کنید یا در جهت تأیید آن و با آنکه بی‌طرفانه مسائل را ارزیابی می‌نمایید؟	انتقادی	۳ نفر
	بیطرفانه	۹ نفر
سؤال ۹: در صورتی که انتخاب شما برای این درس «بینشی» است، آیا به آموزش مفاهیم دنیای مدرن و معاصر می‌پردازید یا به بررسی نظریه‌های معماری معاصر؟	هر دو	۱۲ نفر
سؤال ۱۰: در صورتی که انتخاب شما برای این درس «دانشی» است، دوره زمانی انتخابی شما برای آموزش این درس چه دوره‌ای را شامل می‌شود؟	مباحث قرن بیستم	۴ نفر
	قرن نوزده و بیست	۲ نفر
	رتناسی تا دنیای حاضر	۵ نفر
سؤال ۱۱: در صورتی که انتخاب شما برای این درس «دانشی» است، تأکید شما بیشتر در آشنایی دانشجویان با پروژه‌های معاصر است یا با معماران معاصر؟	پروژه‌ها	۸ نفر
	معماران	۱ نفر
	هر دو	۲ نفر
سؤال ۱۲: آیا در این درس از تکنولوژی‌های کمک آموزشی مانند نمایش فیلم، اسلاید و ... استفاده می‌نمایید؟	بله	۱۵ نفر

آموزش معماری در ایران، بررسی جایگاه کمی و کیفی آموزش این درس، و موضوعات مرتبط با آن در دانشگاه‌های مطرح جهان، مفید به نظر می‌رسد. لذا در ادامه‌ی روند پژوهش، به مطالعه‌ی قالب‌ها، متدها و جایگاه آموزش معماری معاصر در برخی دانشگاه‌های مطرح جهان پرداخته می‌شود. در این راستا، دانشگاه شفیلد^۲ در انگلستان، و دانشگاه‌های ییل^۳، هاروارد^۴، برکلی^۵ و ام‌آی‌تی^۶ در ایالات متحده‌ی امریکا برگزیده شده و مورد مطالعه قرار گرفتند. قابل ذکر است که بررسی در این دانشگاه‌ها، در دروسی با عناوین و موضوعات مرتبط با معماری معاصر، انجام گرفت که جدول ۲، نمایش‌دهنده‌ی اطلاعات کلی مربوط به سرفصل‌های دروس این پنج دانشگاه است.

ویژگی‌های قابل توجه در عناوین مرتبط با معماری معاصر در هر پنج دانشگاه تقریباً مشترک به نظر می‌رسد که در رابطه با دوره‌ی کارشناسی، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:^۷

- در هر پنج دانشگاه، بیش از یک عنوان درسی مرتبط با معماری معاصر دیده می‌شد.

- در همگی، تعداد واحدها، قطعاً بیش از ۲ واحد درسی است.

مباحث قرن بیستم و رنسانس تا دنیای معاصر تقریباً به یک میزان انتخاب گردیده و بازه‌ی زمانی رنسانس تا دنیای حاضر، با اختلاف بسیار اندکی، در صدر بوده است؛ و در مقابل، تعداد افرادی که قرن نوزده و بیست را برگزیده‌اند، در حداقل قرار دارد. می‌توان گفت که در اشتراک بین این سه بازه‌ی زمانی، قرن بیستم، بازه‌ی زمانی مشترک بین هر سه است و مباحث «دانشی» مربوط به آن، در تمام کلاس‌ها تدریس می‌گردد. در ادامه، از میان گروهی از اساتید که آموزش درس «آشنایی با معماری معاصر» را «دانشی» دانسته‌اند، تأکید اکثریت، بر آشنایی دانشجویان با پروژه‌های معاصر است و مطالعه‌ی معماران معاصر از جایگاه بسیار اندکی در آموزش این گروه برخوردار است.

۶- معماری معاصر در آموزش کنونی معماری در دانشگاه‌های معتبر جهان

برای یافتن جایگاه هرچه مناسب‌تر درس «آشنایی با معماری معاصر» و توسعه و ارتقای این جایگاه، به سوی پربارتر نمودن

دروس مجزایی هستند.

- بررسی نظریه‌های معماری، در دوره‌های پیش و پس از مدرن در عناوین دروس به چشم می‌خورند.
- به معماری ژاپن، و شهرهای مطرح، نظیر روم، ونیز، نیویورک، پاریس، استانبول، برلین به طور مجزا در عناوین دروس، پرداخته شده است.
- خاور میانه، معماری شرق، و کشورهای در حال توسعه از عناوین خاص خود در فهرست درس‌ها برخوردارند.
- تاریخ و تئوری هنر و معماری از یکدیگر مجزا شده‌اند و در تعامل با هم نیز مورد سنجش قرار گرفته‌اند.
- عنوان یا عناوین مجزایی برای معماری معاصر بومی در نظر گرفته شده است.

- جایگاه ویژه‌ای برای معماری معاصر مناطق خاص نظیر ونیز و یا استانبول قائل شده‌اند.
- نقد معماری از جایگاه خاصی در سرفصل دروس برخوردار است.
- مطالعات نظری از مطالعه‌ی نمونه‌های موردی و پروژه‌ها در عناوین دروس، جدا شده‌اند.
- بطور معمول، تاریخ معماری از قرن نوزدهم و یا اواخر قرن هیجدهم به دو بخش تقسیم شده است.
- بطور مجزا به هنر و معماری مدرن پرداخته شده است.
- بحث جهانی شدن در سرفصل دروس، مورد توجه قرار گرفته است.
- عناوین شهرسازی معاصر و معماری معاصر، دربرگیرنده‌ی

جدول ۲- سرفصل دروس مرتبط با معماری معاصر در ۵ دانشگاه معتبر جهان.

امای‌بی	مربوط به	برگرفته	شعبه	تیتل
کازا، طراحی معماری بین‌المللی	سیمپارافو متعدد با موضوعات مربوط به معماری مدرن	معماری‌های از جهانی شدن، فضاهای رفاهت فرهنگ جهانی	علوم انسانی ۱۱-۱۸۵۰ تا امروز	فضای جهانی شدن
مقدمه‌ای بر تاریخ هنر مدرن	روم و سنت و پست	موضوعات ویژه در زمینه‌ی نقد و تئوری طراحی معماری مدرن	علوم انسانی ۲ (معماری و جامعه)	معماری معاصر و معاصر
هنر مدرن و فرهنگ نوین	میکل‌آنژ، سولوی، نوآوری‌ها و تأثیرات	بررسی تاریخی معماری و شهرسازی معاصر ۱ و ۲	علوم انسانی ۳ (معماری در تحولات جامعه)	تاریخ معماری ۲، از قرن هیجدهم تا هزاره
تحلیل معماری معاصر	تکسویک‌هایمان به مدرنیسم فرانسوی چاکسون	مطالعه‌ی موردی در معماری معاصر	علوم انسانی ۱ (توسعه معماری و فنکار معاصر معاصر)	معماری مدرن
مقدمه‌ای بر تاریخ و تئوری معماری مدرن	ساخت نوآورانه در ژاپن	معماری در دوران کودکی و جنگ	علوم انسانی ۱۱ (تئوری و تاریخ شهرسازی)	تئوری معماری ۱۱، ۱۹۵۰-۱۹۶۸
معماری در رابطه با تاریخ هنر و معماری مدرن	ساخت‌های مدرن و توسعه‌ی مدرنیته و معماری ۱۹۰۰-۱۹۲۵	مقدمه‌ای بر نظریه معماری از ۱۹۲۵ تا امروز		تئوری معماری ۲، ۱۹۶۸-۱۹۷۰ امروز
معماری مذهبی و فرهنگ‌های اسلامی در دوران معاصر	معمار در تاریخ از زمان ماکزدر رانساس تا امروز	معماری اسلامی		خلق کمال، اکسپریس و مدرنیسم
معماری قاره در دوران جدید	معماری و هنر از میهنالیسم به پدیدارشناسی معاصر	معماری تصویر		موضوعات موردی در نقد معماری مدرن
معماری رانساس	استانبول: از پایتخت شاهنشاهی به شهر جهانی	موضوعات ویژه در تاریخ معماری معاصر		مدرن‌های معاصر، به سوی یک سنتز جدید
هنر قرن نوزدهم	مسکن، شهرسازی، و شهرنشینی، طراحی، برنامه ریزی، و مسائل سیاسی بر کشورهای در حال توسعه			هنر در معماری ۱۹۲۵-۱۹۶۵
هنر از ۱۹۴۰				پدیدارشناسی اسکات برابن و هسکلز، در متن
سوسائیسواکریا، سوسائیسواکریا، سوسائیسواکریا، سوسائیسواکریا				نظریه‌ی تعادل دیجیتال، یک تاریخ فرهنگی
مسکن شهری مدرن، پاریس، لندن، نیویورک				شهرسازی جنگ، سوسائیسواکریا برابن
تحقیقات پیشرفته در معماری معاصر				مقاله‌ی تهاوما، مقاله‌ی گنگای بین معماری و هنر از سال ۱۹۶۰
نظریه‌ی قاره‌ی معماری در تاریخ و امروز				پایتخت فرهنگی نیویورک در قرن بیستم
ساخت معاصر در معماری ۱۹۲۵ تا امروز				مداخله‌ی مدرن، طرح و هنر، معماری پوس و هنرهای تزئینی آمریکا از سال ۱۹۰۰
برنامه‌های تحقیقاتی در معماری مدرن				هنر و محیط معاصر
				مدرنیسم فرانسوی، در نظریه میانه

نتیجه

آن توسط اساتید دانشگاه‌های ممتاز کشور، تکمیل شده و در روند پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفت. برداشت کلی از مطالعه‌ی پاسخ‌های اساتید به این پرسشنامه‌ها، حاکی از عدم رضایت ایشان از وضعیت و جایگاه فعلی درس «آشنایی با معماری معاصر» در آموزش معماری بود و نکات قابل توجهی نیز از پاسخ‌های اساتید به این پرسشنامه‌ها استخراج گردید. از جمله مهم‌ترین آنها عبارتند از: اتفاق نظر اساتید در دانشی و بینشی بودن همزمان درس «آشنایی با معماری معاصر»، نیاز به افزایش تعداد واحدهای اختصاص یافته به آن و گسترش آن از یک درس با ۲ واحد نظری به دو درس «آشنایی با معماری معاصر

سرفصل‌های درس «آشنایی با معماری معاصر»، در این تحقیق مورد بررسی و مطالعه دقیق قرار گرفت و کاستی‌ها و نقصان‌هایی در این سرفصل دیده شد؛ از مهم‌ترین آنها می‌توان به تناقضاتی در بیان سبک‌ها و مباحث نظری تاریخی معماری، بی‌دقتی در توالی زمانی آنها، در کنار قائل شدن جایگاهی بسیار ناچیز برای بحث معماری معاصر ایران اشاره نمود، همچنین عدم توجه به زمان وقوع وقایع تاریخی در این سرفصل، شگفت‌آور است.

در ادامه پرسشنامه‌هایی در رابطه با روش‌های آموزشی درس «آشنایی با معماری معاصر» و جایگاه و شیوه‌ی تدریس

اختصاص داده شده به دو درس «آشنایی با معماری معاصر ۱» و «آشنایی با معماری معاصر ۲» و اختصاص دادن ۲ واحد نظری به هر کدام، مهم و ضروری به نظر می‌رسد. در این راستا، پیشنهاد می‌شود در سرفصل‌های درس «آشنایی با معماری معاصر ۱» به رنسانس تا انتهای مدرنیست‌های اول پرداخته شده و در «آشنایی با معماری معاصر ۲» به مدرنیست‌های متأخر، پست‌مدرن‌ها و به معماری معاصر در کشورهای در حال توسعه و در بخش اعظمی از آن به معماری معاصر ایران پرداخته شود.

از دیگر فرضیات مطرح شده در آغاز مقاله، این بود که مدت آموزش این درس ترکیبی از مدت دانشی و بینشی باید باشد و هر یک از این دو به تنهایی جواب مطلوبی به خواسته‌های این درس نمی‌دهد. این امر در روند انجام پژوهش حاضر، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت و می‌توان گفت که از آنجایی که درس «آشنایی با معماری معاصر» به عنوان درسی بینشی و دانشی شناخته شده است، به نظر می‌رسد که در طرح برنامه‌ی کلاس‌ها مباحث فلسفی در حیطه‌ی نظری معماری، در کنار استفاده از وسایل کمک‌آموزشی نظیر فیلم و اسلاید برای آموزش هر چه بهتر این درس به دانشجویان رشته‌ی معماری از ضروریاتی است که لازم است مد نظر اساتید قرار گرفته شود.

به این ترتیب می‌توان گفت که با اجرای پیشنهاد‌های مطرح شده در نتیجه‌گیری پژوهش حاضر و در این راستا تلاش در رفع نواقص و کاستی‌های آموزش مبانی نظری که به طور خاص درس «آشنایی با معماری معاصر» مورد بحث بود، می‌توان به سوی آموزش هر چه بهتر معماری در دانشگاه‌های کشور، گام برداشت.

۱) و «آشنایی با معماری معاصر ۲» هر کدام ۲ واحد نظری، اضافه نمودن سرفصل «معماری معاصر ایران» به سرفصل‌های درس «آشنایی با معماری معاصر»، و در نهایت لزوم به کارگیری از ابزار و وسایل کمک آموزشی نظیر فیلم و اسلاید در آموزش این درس به دانشجویان رشته‌ی معماری.

همچنین در این تحقیق، چگونگی تدریس مباحث مربوط به معماری معاصر در آموزش کنونی معماری در پنج دانشگاه از دانشگاه‌های مطرح جهان، انجام شد؛ و از مهم‌ترین نکات مشترک در این زمینه نیز می‌توان به تعدد دروس مرتبط با معماری معاصر، جدایی مطالعات نظری از نمونه‌های موردی و پروژه‌ها در عناوین دروس و نیز تأکید خاص بر معماری معاصر نقاطی از جهان نظیر روم، و نیز، پاریس، استانبول، خاور میانه، معماری شرق و کشورهای در حال توسعه، اشاره نمود. در نهایت و براساس جمع‌بندی مطالعات انجام شده در پژوهش حاضر، نتایج جهت ارتقای جایگاه درس «آشنایی با معماری معاصر» در قالب یکی از دروس اساسی نظری در آموزش معماری مطرح می‌شود.

همانطور که در فرضیات مقاله حاضر بیان گردید، میزان دو واحد درسی برای این حجم درس ناکافی بنظر می‌رسد و افزایش تعداد کمی واحدهای درسی به عنوان نخستین فرضیه این تحقیق مطرح گردید. به علاوه در فرضیات بیان شد که افزودن درس معماری معاصر در قالب افزایش تعداد واحدها به گونه‌ای که کسری واحد آموزشی این درس را هم برای بخش غرب و هم برای بخش ایران تأمین نماید، ضروری به نظر می‌رسد. در این راستا، از مطالعات انجام شده در طی روند پژوهش حاضر، می‌توان نتیجه گرفت که تبدیل و گسترش درس «آشنایی با معماری معاصر» از وضعیت فعلی آن، که ۲ واحد نظری به آن

پی‌نوشت‌ها

پایگاه اینترنتی دانشگاه ییل، ایالات متحده امریکا (<http://www.yale.edu>).

پایگاه اینترنتی دانشگاه هاروارد، ایالات متحده امریکا (<http://www.harvard.edu>).

پایگاه اینترنتی دانشگاه کالیفرنیا، برکلی، ایالات متحده امریکا (<http://www.ced.berkeley.edu>).

پایگاه اینترنتی دانشگاه ام آی تی، ایالات متحده امریکا (<http://student.mit.edu>).

Fowles, R. A. (1990), Teaching architecture: a complete action, *Design Studies*, 11(2), 81-88.

Capon, D. S. (1983), Categories in architectural theory and design, *derivation and precedent*, 5(2), 215-226.

Groák, S. (1988), UK architectural education: Trends and issues, *Habitat International*, 12(1), 75-86.

Joan, O. (2012), *Architecture School: Three Centuries of Educating Architects in North America*, The MIT Press.

Pevsner, N. (1979), *A History of Building Types*, Princ-

1 Art Nouveau.

۲ رجوع کنید به Pevsner, 1979.

3 The University of Sheffield, Sheffield, UK.

4 Yale University, New Haven, CT, USA.

5 Harvard University, Cambridge, MA, USA.

6 University of California, Berkeley, USA.

7 Massachusetts Institute of Technology, Cambridge, MA, USA.

۸ رجوع شود به پایگاه‌های اینترنتی دانشگاه‌ها در منابع ذکر شده.

9 Scott Brown and Associates.

فهرست منابع

بنه ولو، لئوناردو (۱۳۸۴)، آشنایی با تاریخ معماری، علی محمد سادات افسری (مترجم)، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، تهران.

پایگاه اینترنتی دانشگاه شفیلد، انگلستان (<http://www.shef.ac.uk>).

eton University Press.

Pevsner, N. (2009), *An Outline of European Architecture*, Gibbs Smith; Revised edition.

Schreiber, S. (2010), Education for Architecture in the United States and Canada, *International Encyclopedia of Education* (Third Edition), 13-18.

Wang, T. (2009), Rethinking teaching with information and communication technologies (ICTs) in architectural education, *Teaching and Teacher Education*, 25(8), 1132-1140.